

تحلیل تعامل نهادها در توسعه کارآفرینی منطقه‌ای

بهمن خداپناه*، محمد علی مرادی**، حمید پاداش***، کمال سخدری***

چکیده

هدف اصلی از انجام پژوهش حاضر شناسایی و تحلیل مطالعات پیشین در زمینه نهادهای مؤثر بر توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه در مناطق مختلف است. برای این منظور با مراجعه با پایگاه گوگل اسکالر مقالات مرتبط با کلیدواژه‌های منتخب استخراج و نسبت به تحلیل آن‌ها اقدام شد. در گام نخست ۸۹۰ مقاله شناسایی گردید که پس از تصفیه مقالات با روش‌های مختلف، تعداد مقالات قابل تحلیل به ۱۹ مورد تقلیل یافت. در مرحله بعدی با استفاده از استراتژی بررسی نظام‌مند، مقالات منتخب را از ابعاد مختلف (نام و نام خانوادگی نویسنده، سال، مسئله اصلی، پارادایم پژوهشی و نظریه مبنا) بررسی نموده و سپس با استفاده از نرم‌افزار اطلس تی. آی، متن مقالات در دو مرحله باز و محوری کدگذاری گردید. در مرحله کدگذاری باز ۷۱ کد و در مرحله کدگذاری محوری ۳ کد (سیاست‌گذاری، زیرساختی، بازار کالا یا زیرساخت اقتصادی) به دست آمد. طبق یافته‌های پژوهش توسعه کارآفرینی منطقه‌ای با مشخصه اصلی رشد و توسعه در تولید ناخالص داخلی، افزایش سطح و سرانه اشتغال در منطقه، افزایش نرخ فعالیت‌های کارآفرینانه و نرخ نوآوری استانی (تعداد پتنت‌های ثبت شده)، در شرایطی محقق می‌گردد که بستر نهادی در کنار عواملی چون (۱) سیاست‌گذاری در سه سطح ملی، منطقه‌ای و محلی؛ (۲) زیرساخت‌های فیزیکی شامل زیرساخت هوایی، زیرساخت ریلی، زیرساخت جاده‌ای، دسترسی به گاز، دسترسی به آب، دسترسی به برق و غیره و (۳) بازار کالاها یا زیرساخت اقتصادی شامل بازار کار منطقه، سرمایه انسانی، ترکیب بنگاه‌ها (SME و بزرگ) و ساختار صنعت منطقه، موجبات تحریک فعالیت‌های کارآفرینانه را فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: کارآفرینی، کارآفرینی منطقه‌ای، رویکرد نهادی، مرور نظام‌مند.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

* دانشجوی دکتری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

** دانشیار، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

*** استادیار، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۱. مقدمه

طی دو دهه اخیر، کارآفرینی، مرزهای خود را به حوزه‌های جدید در یادگیری‌های مدیریتی، طراحی سیاست‌های عمومی گسترش داده است [۳۵]. گرچه اکثر پیشینه‌ها بر کشورهای توسعه یافته متمرکز شده‌اند، اما علاقه رو به رشدی در کشورهای نوظهور و در حال توسعه برای انجام تحقیقات تجربی و نظری در حوزه فعالیت‌های کارآفرینانه در حال شکل‌گیری است که امکان مقایسه‌های بین‌المللی را ارتقا می‌بخشد [۱۰]. پژوهش‌های سطح نظری که از سوی رشته‌های مختلف در این زمینه انجام شده است، به محققان پیشرو این امکان را داده که عوامل مؤثر بر فعالیت‌های کارآفرینانه و همچنین اثراتی که کارآفرینان بر جامعه دارند را نقطه شروع پژوهش در زمینه کارآفرینی تعریف کنند [۵۶، ۱۵]. برای مثال؛ وجود ارتباط بین کارآفرینی و عناصر روانشناسی [۴۵]، اقتصادی [۵۳] و مدیریتی [۵۶]، از جمله این موارد است. به اعتقاد برخی از نویسندگان نیز، هنوز عوامل زیادی وجود دارد که در ارتباط با کارآفرینی باید مورد توجه قرار گیرند، برای مثال، نهادهای رسمی و غیررسمی و تأثیری که بر تصمیمات افراد در رابطه با ورود به فعالیت کارآفرینانه، به خصوص در مناطق مختلف کشورها دارند، یک بحث بسیار حیاتی به شمار می‌رود [۵۷، ۵۵]. در همین راستا، موانع نهادی احتمالاً توصیف‌کننده خلأ موجود بین سطح فعالیت‌های کارآفرینانه در مناطق مختلف جغرافیایی در یک کشور مشخص و نیز بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه (زیرا کشورهای دسته اول دارای شرایط باثبات و کیفیت نهادی مناسب برای توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه هستند در حالی که کشورهای دسته دوم عمدتاً با اقتصاد غیر رسمی و نیز سطح بالای فساد درگیرند) هستند [۱].

توسعه منطقه‌ای فرایندی به شدت پیچیده است که نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و تخصیص بهینه منابع توسط نهادها و بازیگران بسیاری است که در این فرایند ایفای نقش می‌نمایند [۳۸]. به‌زعم پژوهشگران و سیاست‌گذاران اقتصادی، توسعه کارآفرینی از جمله مهم‌ترین پیشران‌های توسعه منطقه‌ای به شمار می‌آید [۳۴] اما اینکه چرا تلاش‌های مرتبط با رشد و توسعه کارآفرینی در مناطق مختلف متفاوت بوده و نتایج متفاوتی نیز از آن‌ها حاصل می‌شود، پدیده‌ای است که تا حدی در حاله‌ای از ابهام قرار دارد و به همین دلیل است که اقتصاددانان بزرگ، سال‌های متعددی است که به دنبال درک علت رشد در بلندمدت هستند. پیشینه تحقیق از علل احتمالی رشد مانند انباشت عوامل، تغییرات فناورانه و انباشت سرمایه انسانی عبور کرده و به سمت اجماعی جدید که «ریشه‌های عمیق‌تر» رشد را توضیح می‌دهد در حرکت است [۴۸، ۵، ۴].

برخی از محققین هم مدعی هستند که نهادها، تبیین‌کننده توسعه کارآفرینی و به تبع آن، توسعه اقتصادی در مناطق مختلف هستند [۴، ۱۰، ۱۳، ۵۷]. اما، با وجود کارهای قابل توجهی که در زمینه چگونگی تأثیر نهادها بر توسعه کارآفرینی انجام شده است، گریس و ناوود (۲۰۱۱)، مدعی هستند که فهم همه زنجیره علی حاصله از نهادهای اجتماعی و اقتصادی که کارآفرینی را متأثر می‌سازد ناشناخته مانده است [۳۵].

برای تحلیل تأثیر نهادها بر سطح کارآفرینی، رشد و نهایتاً توسعه اقتصادی نیازمند بررسی داده‌ها در طول زمان هستیم؛ و به دلیل این‌که تاکنون آمار نظام‌مندی در رابطه با کارآفرینی ارائه نشده است، پیشینه تحقیق که پیونددهنده کارآفرینی و نهادها است هنوز هم حوزه نوظهور شناخته می‌شود [۳۵]. اغلب مطالعاتی که تا به امروز در این زمینه انجام شده است، برای نشان دادن این امر بوده که چارچوب نهادی، چگونه سطح فعالیت‌های کارآفرینانه را تعیین می‌کند. فرهنگ به‌عنوان یکی از مشخصه‌های بارز نهادی بر سطح فعالیت‌های کارآفرینانه موثر است، در واقع، ادراک کارآفرینانه بخشی از فرهنگ محلی تلقی می‌شود که کارآفرینی مولد را تحریک می‌نماید [۱۲]. یک راه غلبه بر محدودیت‌های ذکر شده نهادهایی هستند که برای توصیف موهبت کارآفرینی در مناطق مختلف مورد نیازند [۲]. این ایده ممکن است در فهم چگونگی کارکرد کارآفرینی در مناطق مختلف مفید باشد [۱]. با توجه به مطالب گفته‌شده، هدف از انجام تحقیق حاضر، شناسایی و تحلیل مطالعات پیشین انجام‌شده در زمینه نهادهایی است که منجر به توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه در مناطق مختلف می‌شود.

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

بوسما و استرنبرگ اذعان می‌کنند که فضا برای فعالیت‌های کارآفرینی مهم بوده و در این راستا آن‌ها تجزیه و تحلیل‌های تجربی جدید را بر روی عوامل تعیین‌کننده منطقه‌ای در شکل‌گیری شرکت‌های جدید قبول کردند [۱۲]. به منظور تحلیل کارآفرینی منطقه‌ای، منطقی است که این عوامل را به محیط‌های ملی، محیط‌های میکرو و محیط‌های منطقه‌ای تقسیم کنیم [۲، ۴]. عوامل ملی فرامنطقه‌ای هستند و شامل شرایط مالی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین ساختار آموزشی و تحقیق، زیرساخت‌ها و ساختار اقتصادی می‌شوند. یک مؤلفه واضح و نمایان ساختار ملی، وجود و چیرگی صنایع شخصی و انفرادی در یک منطقه است [۴۹]. محیط منطقه‌ای شامل مؤلفه‌های مشابه با محیط ملی است، به جز اینکه در این حالت سؤال اصلی، مشخصه‌های هر منطقه است و نه کل کشور. همین‌طور برای سطح ملی، عوامل محیطی اجتماعی شامل پیش‌زمینه‌های حرفه‌ای و اجتماعی و همچنین شبکه‌های خودمحور^۱ کارآفرینان بالقوه است. این مؤلفه‌ها می‌توانند تحت تأثیر عوامل منطقه‌ای (شبکه‌های خصوصی) و یا عوامل فرامنطقه‌ای (تعداد عظیمی از شبکه‌های حرفه‌ای) شکل بگیرند. عوامل شخصی مربوط به پایه‌گذاران استارت‌آپ مانند انگیزه‌های کارآفرینانه (عوامل مرتبط با نظریه فشار و کشش)، عوامل مرتبط با جمعیت (سن و جنسیت) و همچنین اخلاق و شخصیت (مانند بازدهی و ریسک‌پذیری)، ربطی به سه دسته ذکر شده از محیط‌ها ندارد. در عوض، این‌ها می‌توانند تأثیر مستقیمی بر روی استنباط و درک این سه محیط و در نتیجه آن تصمیمات استارت‌آپ و موفقیت آن بگذارد [۱، ۳].

هر فرد علائم محیطی را که دریافت می‌کند فیلتر می‌نماید. مجموع فعالیت‌های کارآفرینانه انفرادی در یک منطقه خاص، فعالیت کارآفرینانه آن منطقه را تعیین می‌نماید. به عنوان یک قانون، عوامل ماکرو و میکرو در تمامی کشورها و تمامی مناطق یک کشور، تأثیرگذار و کاربردی هستند. آن‌ها علی‌رغم بعد منطقه‌ای مشخص، تأثیرگذاری متفاوت داشته و در نتیجه در مناطق گوناگون به صورت‌های مختلفی کار می‌کنند. امروزه، حتی اقتصاددانان صنعتی محض^۲ نیز این موضوع را قبول کردند که «محیط‌های جغرافیایی کاملاً متفاوت می‌توانند تغییرپذیری عوامل و تأثیر تشکیل شرکت‌های جدید را افزایش دهد» [۴۸]. در محیط‌های دانشگاهی، درجه بالای پابرجایی مکانی کارآفرینان به‌درستی به‌عنوان یکی از شواهد اهمیت محیط منطقه‌ای برای استارت‌آپ‌ها تفسیر می‌شود [۵۸]. همچنین، کارآفرینان موفق و شکوفا به ثبات خوبی در شغل، زندگی و جامعه رسیده‌اند و همین امر شروع کسب‌وکار جدید وابسته به محیط‌های محلی را ترویج می‌کند. درنهایت، باید اذعان داشت که در کنار قرابت مکانی، قرابت‌های سازمانی و موسسه‌ای، اجتماعی و شناختی نیز بر روی فرایندهای کارآفرینانه تأثیر می‌گذارند. اگر دیگر قرابت‌ها وجود نداشته باشد، قرابت جغرافیایی به‌تنهایی نمی‌تواند فعالیت‌های کارآفرینانه واقعی را تضمین کند [۵۹].

نظریه‌های رشد منطقه‌ای و کارآفرینی

نقش کارآفرینی در آن دسته از نظریه‌هایی که به دنبال توضیح رشد منطقه‌ای هستند، چیست؟ این موضوع بسیار مهمی است، زیرا سیاست‌های حمایت از کارآفرینی معمولاً بر اساس تأثیرات اقتصادی منطقه‌ای آن‌هاست. نظریه‌های رشد منطقه‌ای بر آن است تا به صورت دقیق عوامل و دلایل این رشد را ارزیابی و مشخص نماید.

• شومپیتر و دیگر نظریه‌های قدیمی‌تر رشد

علی‌رغم وجود استثنا، بسیاری از نظریه‌های رشد قدیمی، مشخصاً نقشی برای کارآفرینی در نظر نمی‌گیرند [۵۳]. در عوض، نظریه‌های قدیمی‌تر بر روی وجود عوامل درونی تولید مانند (زمین، زیرساخت، سرمایه راکد، عوامل تولید راکد) و عوامل بیرونی تولید مانند نیروی کار و سرمایه در گردش تمرکز می‌کنند. نظریه‌های قدیمی در مورد توضیح «اقتصاد قدیم» که شامل سلطه شرکت‌های بزرگ، بازارهای ملی و تولیدات انبوه می‌شد و در آن بخش

¹ Egocentric networks

² Pure Industrial economists

تولیدی مهم‌ترین بخش در اقتصاد ملی و منطقه‌ای بود و نوآوری به‌صورت فرایندی خطی تلقی می‌گشت، درست و قابل‌اطمینان است. البته، شومپتر (۱۹۴۲) چارچوب تأثیرگذاری را توسعه داد که در آن چرایی و چگونگی اهمیت و تأثیرگذاری کارآفرینی در نوآوری و رشد اقتصادی را توضیح می‌داد. با این وجود، چارچوب او معطوف به سطح ملی و شرکت‌های بزرگ بود و او شکی نداشت که مخصوصاً در حوزه تغییرات فناوری و نوآوری «کسب‌وکارهای بزرگ‌مقیاس مهم‌ترین موتور محرکه پیشرفت هستند» [۵۲]. مشاهدات تجربی او از موج‌های بزرگ توسعه اقتصادی که الهام گرفته از کار بی‌نظیر کوندراتیف در حوزه بخش (اقتصادی) اصلی بود، دیگر محققان مانند مارشال به سطوح منطقه‌ای انتقال یافت؛ اما این محققان نیز فکری در مورد استارت‌آپ‌ها و یا شرکت‌های کوچک نداشته‌اند. متعاقباً، توسعه منطقه‌ای به‌صورت نتیجه‌ای از فعالیت‌های کسب‌وکارهای بزرگ دیده می‌شد.

به‌طور خلاصه، استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های کوچک نقش اصلی در نظریه‌های قدیمی در حوزه رشد و توسعه منطقه‌ای ایفا نمی‌کنند. اگرچه شرکت‌ها - و نه سیاست‌ها، منابع طبیعی و زیرساخت‌ها - که محرک‌های اصلی توسعه منطقه‌ای تلقی می‌شوند، این‌گونه شرکت‌ها معمولاً بزرگ و جاافتاده هستند.

• مفاهیم جدیدتر در زمینه رشد منطقه‌ای بر پایه نوآوری

افراد شاید معتقد باشند که نظریه‌های اخیر در زمینه توسعه منطقه‌ای بر محور نوآوری مانند رویکرد محدوده صنعتی، نظریه تولید منعطف و تخصصی‌سازی و مفهوم محیط و قلمرو نوآورانه، شرکت‌های کوچک را عوامل اصلی رشد فناورانه منطقه‌ای لحاظ می‌کنند [۵۰]. تا حدی، این اتفاق رخ داده است. یکی از دلایل افزایش اهمیت فرایندهای نوآوری منطقه‌ای این است که کارآفرینی را علم اقتصاد کشف کرد. با این وجود، کارآفرینی هم می‌تواند به‌صورت استارت‌آپ‌های جدید باشد و هم می‌تواند در واحدهای جدید درون بدنه‌های شرکتی قدیمی رخ دهد [۱]. به دلیل افزایش ارتباط میان دانش‌های جدید برای نوآوری و فرایندهای رشد شرکتی، مخاطرات و ناهمگونی میان عامل‌های نوآور تبدیل به مسئله‌ای مهم شده است. هزینه‌های نمایندگی مرتبط (هزینه‌های تراکش‌ها و بازرسی، مشکلات نمایندگی) به همراه عدم هماهنگی میان تصمیم‌گیرندگان در یک شرکت و فرد صاحب ایده نوآورانه می‌تواند مشوق‌هایی باشد تا عامل‌هایی با ایده‌های جدید، شرکت خود را راه‌اندازی نمایند. این فرایندها میان صنایع و مناطق مختلف، متفاوت است [۵۵]. به همین دلیل امروزه، راه‌اندازی شرکت‌های جدید (جدا از نوآوری درون شرکت‌های مادر) نسبت به «اقتصاد قدیمی»، نقش پررنگ‌تری در فرایندهای نوآوری منطقه‌ای ایفا می‌کند. متعاقباً، ما در نظریه‌ها و مفاهیمی که فرایندهای نوآوری منطقه‌ای را توضیح می‌دهند، می‌بینیم که تأکید از شرکت‌ها و مؤسسات به سمت افراد حرکت می‌کند؛ بنابراین، افراد کارآفرین درون استارت‌آپ‌ها نیز به همان نسبت رشد دارند. همچنین، بعضی از نظریه‌های اخیر در زمینه توسعه منطقه‌ای وابسته به نوآوری، به‌صورت کاملاً شفاف نوآوری را به‌صورت فرایندی زنجیروار و نه خطی در نظر می‌گیرند [۸، ۱۷].

انتظار می‌رود که نظریه‌های رشد منطقه‌ای بتوانند به سؤال «چرا بعضی مناطق سریع‌تر از دیگران رشد می‌کنند؟» پاسخ دهند. مشابه با برخی از پژوهشگران [۲] ما سه لایه و دسته از مطالعات را که دقیقاً به این سؤال می‌پردازند، در نظر می‌گیریم: جغرافیای اقتصادی جدید (NEG)، نظریه رشد جدید و اقتصاد نوآوری جدید که در ابتدا رویکردی سامانمند در سطح ملی بود (سیستم‌های نوآوری ملی (NIS)) و بعداً در سطح منطقه‌ای توسعه یافت (سیستم‌های نوآوری منطقه‌ای (RIS))، تمامی این سه رویکرد، در مطالعات مختلف، مورد بحث و بررسی بسیاری قرار گرفته‌اند، با این وجود، نظریه تمرکز مکانی و فضایی کروگمن، به دلیل نداشتن مدل فضایی سرریزهای دانش، برای توضیح توسعه منطقه‌ای نشأت گرفته از فناوری، مناسب نیست [۱].

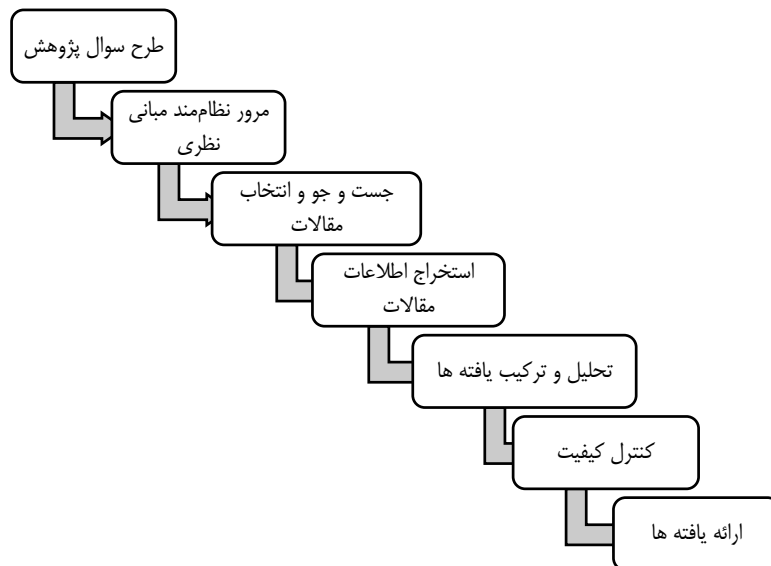
به منظور جمع‌بندی، مؤلفه حیاتی از قلم افتاده در طبقه‌بندی سازمانی رویکردهای اشاره شده، نقش کارآفرینی در فرایند نوآوری است، در خصوص نقش کارآفرینی در توسعه منطقه‌ای بر پایه فناوری، مطلب خاصی وجود ندارد. مطالعات در زمینه عوامل فرا- منطقه‌ای در رشد منطقه‌ای به‌طور عمده بر روی سرمایه‌گذاری‌های خارجی و

همچنین برنامه‌ها و هزینه‌های دولت در یک منطقه خاص و نه بر روی کارآفرینی شرکت‌های کوچک، تمرکز دارند. با وجود اینکه شرکت‌های کوچک بیشتر در نظریه‌هایی که عوامل داخلی را در رشد منطقه‌ای لحاظ می‌نمایند، در نظر گرفته می‌شود، سهم این توجه در قیاس با دیگر مبین‌ها و عامل‌ها بسیار کم است [۱].

۳. روش‌شناسی پژوهش

روش این تحقیق، کیفی است و با استفاده از فراترکیب انجام یافته است. فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که اطلاعات و یافته‌های استخراج‌شده از مطالعات کیفی دیگر با موضوع مرتبط و مشابه را بررسی می‌کند. در نتیجه، نمونه مورد نظر برای فراترکیب، از مطالعات کیفی منتخب و بر اساس ارتباط آن‌ها با سؤال پژوهش تشکیل می‌شود [۲۲]. فراترکیب، مرور یکپارچه ادبیات کیفی موضوع مورد نظر نیست. همچنین، تجزیه و تحلیل داده ثانویه و داده اصلی از مطالعات منتخب نیز نیست، بلکه، تحلیل یافته‌های این مطالعه‌هاست. به عبارتی، فراترکیب، ترکیب تفسیری تفسیرهای داده‌های اصلی مطالعه‌های منتخب است. فراترکیب، بر مطالعه‌های کیفی که لزوماً مبانی نظری وسیعی را شامل نمی‌شود، تمرکز دارد و به‌جای ارائه خلاصه جامعی از یافته‌ها، یک ترکیب تفسیری از یافته‌ها را ایجاد می‌کند [۶۰].

به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق، از دو سطح کدگذاری باز و محوری استفاده گردیده است. کدگذاری باز عبارت است از فرآیند خرد کردن، آزمون، مقایسه، مفهوم‌سازی و طبقه‌بندی داده‌ها [۵۲]. کدگذاری محوری از سویی دیگر «فرایند ارتباط دهی طبقات (با درجه بالاتری از انتزاع)، به زیر طبقاتی با انتزاع کمتر است». لذا در این رویکرد، کدگذاری، حول محور یک طبقه انجام می‌شود و طبقات و زیر طبقات را به یکدیگر و در سطح خصیصه‌ها و ابعاد مرتبط می‌سازد [۴۶]. در مرحله کدگذاری محوری، پژوهشگر یکی از طبقه‌ها را طبقه محوری انتخاب کرده، آن را تحت پدیده محوری در مرکز فرایند، مورد بررسی قرار داده و ارتباط سایر طبقه‌ها را با آن مشخص می‌کند. گام‌های این پژوهش بر اساس روش هفت مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو (۲۰۰۶) در فراترکیب است که این مراحل در شکل شماره (۱) نشان داده شده است:



شکل ۱. مراحل انجام فراترکیب

۴. تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

مرحله اول: طرح سؤال پژوهش

در مطالعه حاضر نیز روش فراترکیب برای بررسی مقالات کار شده در حوزه «ارتباط بین نهادها و توسعه کارآفرینی منطقه‌ای» استفاده شده است. سؤال اصلی پژوهش این است که ارتباط بین محیط نهادی و کارآفرینی منطقه‌ای چیست؟

مرحله دوم: مرور نظام‌مند مبانی نظری

پس از تعیین سؤال‌های پژوهش، به منظور انجام جستجوی نظام‌مند، پیش از هر اقدام، باید محدوده جستجو بر اساس روش فراترکیب مشخص شود.

روش‌شناسی ما در تحقیق پیش رو عبارت است از مقالات منتخب و چاپ شده در پایگاه داده گوگل اسکالر. در این رویکرد نظام‌مند، ما ضوابطی را برای انتخاب مقالات خواهیم داشت که عبارتند از: الف- مقالات منتشر شده‌ای که در بازه زمانی ۱۹۹۰-۲۰۲۰ قرار دارند.

سه نوع جست‌وجو برای دریافت مقالات مرتبط با موضوع مورد نظر در این مقاله استفاده شده است:

۱- جست‌وجوی کلیدواژه‌های مرتبط با نهادها و کارآفرینی به‌ویژه در سطح منطقه‌ای؛

۲- جست‌وجوی کلیدواژه‌های مرتبط با ارتباط نهادها و کارآفرینی؛

۳- ترکیب همه کلیدواژه‌ها در یک جمله و جست‌وجوی آن؛

Regional entrepreneurship and (“institutions” or “Entrepreneurship Policy” or” Enterprise Policy” Or” innovation system” or” Ecosystems” or “Culture” or “Institutional dimensions”)

مرحله سوم: جستجو و انتخاب مقاله‌های مناسب

در این مرحله به ۸۹۰ مقاله اولیه دست پیدا کردیم، به‌منظور کاستن از میزان مقالات فیلتر دیگری مورد استفاده قرار گرفت. در گام نخست مقالاتی که دارای عناوین غیر مرتبط با موضوع مورد نظر ما (۳۷۱ مقاله) بود حذف گردید؛ سپس مقالاتی که غیر قابل دسترس بودند شناسایی گردیدند (۱۲۰ مقاله)؛ در مرحله بعد مقالاتی که از نظر چکیده ارتباط چندانی با بحث نداشتند کنار گذاشته شدند (۱۸۵ مقاله)؛ و سپس مقالاتی که از نظر محتوایی مناسب پژوهش مورد نظر نبودند حذف گردید (۱۴۰ مقاله)؛ از منظر محتوایی، بسیاری از مقالات حذف‌شده از منظر محتوایی با عناوین و چکیده‌هایی که ارائه شده بود همخوانی نداشتند و عمدتاً توضیح کارآفرینی به صورت کلی، نهادها و کارآفرینی را در سطح ملی و نه منطقه‌ای مورد توجه قرار داده بودند. در مرحله بعدی نیز مقالاتی که از نظر روش‌شناسی مناسب نبودند کنار گذاشته شدند (۵۵ مقاله). حذف تعداد زیادی از مقالات در این بخش هم بیشتر به دلایلی از جمله عدم تعادل در بیان اطلاعات و یا ارائه نتایج در قسمت روش تحقیق و همچنین انحراف در داده‌های ارائه شده بود. برای مثال، مقاله‌ای با موضوع نهادها، کارآفرینی و تفاوت‌های منطقه‌ای در رشد اقتصادی^۱ از بسیاری جهات برای تحلیل مناسب بود، لیکن به لحاظ روشی داده‌های اشاره شده برای سطح ملی مناسب بودند و نه منطقه‌ای؛ و نهایتاً برای تحلیل نهایی ۱۹ مقاله اصلی باقی ماند.

از بین مقالات شناسایی‌شده، ۱۳ مقاله تجربی و ۶ مقاله نظری در ارتباط با کارآفرینی منطقه‌ای و نهادها در مرحله شناسایی و تصفیه استخراج گردید. همه این مقالات با این فرض تدوین گشته‌اند که نهادها بر توسعه کارآفرینی تأثیر می‌گذارند. برخی از مقالات شواهد تجربی بسیار جالبی در رابطه با ارتباط و تأثیر نهادها بر کارآفرینی

¹ Institutions, entrepreneurship, and regional differences in economic growth

ارائه نمودند. از این رو، تحلیل ما بر اساس نتایج حاصل از بررسی مجله، سال، نویسندگان، چارچوب نظری و روشی که برای ارتباط بین نهادها و کارآفرینی استفاده شده است صورت گرفت.

استفاده از نظریه مینا برای تحلیل مقالات به تحلیلگران کمک می‌کند تا مجموعه‌ای از متغیرهای نهادی (محیط نهادی) را شناسایی کنند که توسعه کارآفرینی در سطح مناطق را متأثر می‌سازد. در این رابطه برخی از نویسندگان سعی در ارائه رویکردی متفاوت نسبت به تأثیر نهادها بر کارآفرینی داشته‌اند. چنانچه نظریه نهادی، بیان می‌دارد که قراردادها، رویه‌ها، ساختار سیاسی و حقوق مالکیت از جمله مواردی هستند که منجر به کاهش هزینه مبادله با تمرکز بر مقررات می‌شود [۸]. برخی مقالات نهادهای رسمی و غیررسمی را به‌طور هم‌زمان مورد استفاده قرار داده‌اند، درحالی‌که برخی دیگر یکی از دو نهاد رسمی و غیررسمی را مبنای کار خود قرار داده‌اند. ذکر این نکته حائز اهمیت است که ما سیستم شناختی را نیز نهاد غیررسمی طبقه‌بندی نموده‌ایم.

مرحله چهارم: استخراج مفاهیم کلیدی متون

در این پژوهش، پژوهشگران به‌طور پیوسته متون منتخب و نهایی شده را، به‌منظور دستیابی به یافته‌های قابل‌اعتماد چند بار مرور کردند. در پژوهش حاضر، اطلاعات مقالات بدین‌صورت دسته‌بندی شده است: الف) نام و نام خانوادگی نویسنده، ب) سال انتشار مقاله، ج) مسئله اصلی پژوهش (د) مهم‌ترین مفاهیم استخراج‌شده از هر مقاله و ه) نظریه مینا (جدول ۱).

جدول ۱. مشخصات مقالات منتخب جهت تحلیل

| ردیف | منبع | تمرکز پژوهش | مبانی فلسفی / پارادایم | یافته‌های کلیدی | نظریه مینا |
|------|------|---|------------------------|--|--------------------|
| ۱ | [۵۹] | اکوسیستم کارآفرینی و کیفیت کارآفرینی منطقه‌ای | پارادایم تفسیری | نتایج نشان می‌دهد که هم کیفیت و هم کمیت کارآفرینی را می‌توان از طریق تعامل بین عوامل و وجود مسیرهای متعدد و به همان اندازه مؤثر که به نتایج یکسانی منجر می‌شوند، ایجاد کرد. علاوه بر این، نتایج بر اهمیت زیرساخت اینترنت و ظرفیت نوآوری در افزایش کیفیت و کمیت کارآفرینی تأکید می‌کند. | نظریه اکوسیستم |
| ۲ | [۲۸] | ریشه‌شناسی تاریخی توسعه کارآفرینی در سطح مناطق | پارادایم اثبات‌گرایی | نتایج ما نشان می‌دهد که پایگاه دانش تاریخی که جایگاه اصلی آن دانشگاه‌های دولتی است، در کنار نهادهای رسمی و غیررسمی در طی زمان سطح فعالیت‌های کارآفرینانه را در مناطق مختلف تحت تأثیر قرار داده است. | نظریه سربزرگ دانشی |
| ۳ | [۳۵] | جنبه‌های کمی و کیفی نهادهای بانکی بررسی تأثیر تأمین مالی بانکی بر سطح فعالیت‌های کارآفرینانه در مناطق چین | پارادایم اثبات‌گرایی | این پژوهش، یافته‌های متفاوتی را نسبت به نقش نهادها در کارآفرینی و کسب‌وکارهای کوچک در مناطق چینی (از جنبه کیفیت و کمیت تأمین مالی بانکی) ارائه نموده است. درحالی‌که ارتباط مثبت و معناداری بین کیفیت نهادهای بانکی در خلق کسب‌وکار جدید تأیید شده، کمیت اعتبار عرضه‌شده در این مناطق معنادار گزارش نشده است. | نظریه نهادی |
| ۴ | [۳۲] | تأثیر سیاست‌گذاری عمومی در ارتقای سطح کارآفرینی منطقه‌ای | اثبات‌گرایی | عوامل مؤثر بر تغییرات رتبه در کارآفرینی منطقه‌ای عبارتند از افزایش سرمایه انسانی، مهاجرت، حضور شرکت‌های کوچک، مالکیت خانه و جمعیت در گروه سنی ۵۵ تا ۶۴ سال. | نظریه پائیلر |

| ردیف | منبع | تمرکز پژوهش | مبانی فلسفی / پارادایم | یافته‌های کلیدی | نظریه مبنا |
|------|------|--|------------------------|---|------------|
| ۵ | [۳۷] | تغییرات نهادی و فعالیت‌های کارآفرینانه در مناطق نهادها به‌عنوان ماهیتی زنده | تفسیری | معرفی تغییرات نهادی به‌عنوان پاسخ‌هایی خلاقانه و تجربی، کمک به تحلیل‌گران و بازیگران اقتصادی برای نظریه‌سازی در حوزه چگونگی انتقال‌های اقتصادی، به رسمیت شناختن اینکه فرایندهای تغییر نهادی توسط تلاش‌های درونی بازیگران داخلی اقتصاد به‌عنوان درک جنبه‌های متناقض از زندگی‌های نهادی متنوع آن‌ها عمل می‌کنند. | فردی نهادی |
| ۶ | [۱۶] | عوامل تعیین‌کننده در نرخ تشکیل شرکت جدید: نحوه تأثیرگذاری بنیان‌های قانون اساسی در توسعه کارآفرینی | پارادایم نهادگرایی | این مقاله با استفاده از داده‌های تجربی بیان می‌کند که قانون اساسی یک تعیین‌کننده نهادی قوی برای کارآفرینی است. این مقاله با استفاده از یک مجموعه داده برای ۱۱۵ کشور جهان که شامل ویژگی‌های قانون اساسی تصویب‌شده در جهان، عواملی چون شروع کسب‌وکار، حق اعتصاب، حمایت از مصرف‌کننده، قوانین فساد ستیز و آموزش اجباری می‌شود بیان می‌کند که این موارد باعث افزایش نرخ‌های تشکیل شرکت‌های جدید می‌شود. قوانین کار، قوانین مربوط به پیوند قومیتی، قوانین تحصیلات تکمیلی، قوانین مبارزه با فساد، قوانین آزادی اقتصادی و بازارهای آزاد. | فردی نهادی |
| ۷ | [۱۷] | بررسی اثرات سیاست‌گذاری عمومی بر سطح کارآفرینی و رشد اقتصادی کشورهای اروپایی | پارادایم نهادگرایی | عواملی مانند سختی مقررات ورود به کسب‌وکار از نظر سهولت یا سختی، سرمایه انسانی، قوانین مربوط به تحقیق و توسعه محیط اقتصادی نوآورانه، ویژگی‌های کارآفرینان | فردی نهادی |
| ۸ | [۲۶] | فرهنگ و مقررات ورود کسب‌وکارهای جدید آیا فرهنگ بر نحوه و میزان ورود کسب‌وکارهای جدید به چرخه اقتصادی تأثیر می‌گذارد؟ | پارادایم نهادگرایی | نتایج نشان می‌دهد که کشورهایی با سطح فردگرایی بالا، قوانین ورود به کسب‌وکار را ملایم‌تر در نظر می‌گیرند. شواهدی از تعامل مهم بین فردگرایی و نهادهای رسمی و حقوقی رسمی ارائه می‌دهد. فردگرایی تأثیر بیشتری در تنظیم مقررات ورود در جوامعی با نهادهای سیاسی دموکراتیک یا یک قانون متداول دارد. این نتیجه مطابق با این عقیده است که فرهنگ بر ترجیح اجتماعی برای تنظیم مقررات تأثیر می‌گذارد و نهادهای سیاسی و حقوقی میزان تعیین‌کننده بودن آن را تعیین می‌کنند. | فردی نهادی |

| ردیف | منبع | تمرکز پژوهش | مبانی فلسفی / پارادایم | یافته‌های کلیدی | نظریه مبنا |
|------|------|--|------------------------|---|---|
| ۹ | [۵۲] | کارآفرینی در زمینه اسپانیا: یک تحلیل منطقه‌ای. هدف از این مقاله، بررسی تأثیر عوامل داخلی و خارجی (محیطی) بر کارآفرینی در زمینه اسپانیا، با توجه به اختلافات بین مناطق است. | پارادایم اثبات‌گرایانه | یافته‌های اصلی پژوهش از طریق چهارچوب مفهومی مضاعف (نظریه مبتنی بر منابع و اقتصاد نهادی) تأثیر مستقیم هر دو عامل درونی - شناخت فرصت‌ها و سرمایه اجتماعی - و عوامل محیطی - ترس از عدم موفقیت و آموزش - را بر کارآفرینی نشان می‌دهد. علاوه بر این، نقش ترس از شکست تقویت می‌شود زیرا دارای اثر غیرمستقیم (تعدیل‌کننده) است. این تأثیر به‌ویژه در مناطق کم‌درآمد ربط دارد. | نظریه مبتنی بر منابع و نظریه نهادی |
| ۱۰ | [۱۲] | آیا تأثیر کارآفرینی بر رشد مناطق تحت تأثیر رژیم‌های نهادی مختلف است؟ | پارادایم اثبات‌گرایانه | کارآفرینی در اصل پدیده‌ای منطقه‌ای است. از جمله عوامل مهم مؤثر بر کارآفرینی منطقه‌ای عبارت است از سیاست‌های دولت، محیط تقاضا، عرضه و افراد کارآفرینی و دانش کارآفرینی در مناطق. محیط منطقه‌ای به‌عنوان متغیر زمینه مهم نباید در هنگام بررسی عوامل تعیین‌کننده ایجاد شرکت و رشد جدید شرکت‌ها نادیده گرفته شود. | الگوی رشد مبتنی بر سرمایه منکیو، رومر و ویل |
| ۱۱ | [۳۶] | فرهنگ ملی، کارآفرینی و توسعه اقتصادی: در مناطق مختلف اتحادیه اروپا | پارادایم اثبات‌گرایانه | نتایج حکایت از اهمیت فرهنگ منطقه‌ای در توسعه اقتصادی و فعالیت‌های کارآفرینانه دارد، به‌گونه‌ای که رفتار کارآفرینانه در اروپای شمالی و مرکزی به یک نوع و نیز در اروپای شرقی، کشورهایی که به زبان انگلیسی صحبت می‌کنند و کشورهای حوزه مدیترانه تفاوت بسیاری در این زمینه دارند. | نظریه نهادی |
| ۱۲ | [۵۳] | تفاوت‌های منطقه‌ای در شناخت کارآفرینانه: قصد ورود دانشجویان اسپانیایی به کسب‌وکار | پارادایم اثبات‌گرایانه | نتایج تأیید می‌کند که ارزیابی افراد از فعالیت‌های کارآفرینانه در هر منطقه به توضیح اختلافات منطقه در قصد کارآفرینی کمک می‌کند. مقاله در مورد تأثیر ارزش‌های اجتماعی بر شناخت کارآفرینی نتایج جالبی را نشان داده است. به گفته محققین، می‌توان ادعا کرد که ادراکات مربوط به محیط عام اجتماعی و ارزش‌های اجتماعی مربوط به محیط نزدیک (خرده‌فرهنگ) تأثیرگذار بر عوامل انگیزشی در تعیین قصد کارآفرینی مهم است. | نظریه نهادی |
| ۱۳ | [۵۶] | اکوسیستم کارآفرینی و کیفیت کارآفرینی منطقه‌ای | پارادایم انتقادی | نتایج نشان می‌دهد که هم کیفیت و هم کمیت کارآفرینی را می‌توان از طریق تعامل بین عوامل نهادی رسمی و غیر رسمی مثل قوانین و مقررات از یک طرف و عوامل فرهنگی و اجتماعی متاثر نمود. علاوه بر این، نتایج بر اهمیت زیرساخت‌های منطقه‌ای از جمله اینترنت و ظرفیت نوآوری در افزایش کیفیت و کمیت کارآفرینی تأکید می‌کند. تأثیر اندازه مخارج دولت بر کارآفرینی کمی و کیفی نیز مهم است. این یافته‌ها می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا منابع بهینه را برای دستیابی به کارآفرینی با کیفیت و کمیت بالا تخصیص دهند. | نظریه نهادی |

| ردیف | منبع | تمرکز پژوهش | مبانی فلسفی / پارادایم | یافته‌های کلیدی | نظریه مبنا |
|------|------|---|------------------------|--|---|
| ۱۴ | [۳۹] | بررسی تأثیر هنجارهای اجتماعی بر کسب و کارها | پارادایم اثبات‌گرایانه | این تحقیق با تمرکز بر بینش‌های نظریه نهادی، جامعه‌شناسی و کارآفرینی، الگویی از رابطه بین نهادهای متمرکز و غیرمتمرکز را تهیه و آزمایش کرده است. طبق یافته‌ها، نهادهای غیرمتمرکز که از نظر اجتماعی تعیین می‌شوند و هم نهادهای متمرکز که توسط مقامات دولتی طراحی شده‌اند، در ترویج فعالیت‌های کارآفرینانه در سطح مناطق تأثیر دارند. در یک نمونه از بخش انرژی خورشیدی ایالات متحده متوجه می‌شویم که مشوق‌های تحت حمایت دولت هنجارهای وابستگی متقابل خانواده با ورود شرکت‌های جدید در این بخش مرتبط است. یافته‌های تحقیق همچنین نشان می‌دهد که اثربخشی سیاست‌های سطح دولت در حمایت از رشد کارآفرینی به هنجارهای اجتماعی حاکم است. | دیدگاهی از نظریه نهادی و جامعه‌شناسی فرهنگی |
| ۱۵ | [۴۶] | کارآفرینی در اصل پدیده‌ای منطقه‌ای است. از جمله عوامل مهم مؤثر بر کارآفرینی منطقه‌ای عبارت است از سیاست‌های دولت، محیط تقاضا، عرضه و افراد کارآفرینی، دانش کارآفرینی در مناطق | تفسیری | محققان در این تحقیق با استفاده از مدل رشد استاندارد MRW بیان می‌کنند که سرمایه‌گذاری در سرمایه فیزیکی و رشد جمعیت تأثیر مثبتی بر رشد مناطق اروپایی داشته است (۱۹۹۱-۲۰۰۹). همچنین یک اثر سرریز به این معنی که رشد درآمد مناطق هم‌جوار بر نرخ رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری گذاشته است. نهایتاً محققان به این نتیجه رسیده‌اند که کیفیت نهادی سطح فعالیت‌های کارآفرینانه را در مناطق تحت تأثیر قرار می‌دهد. | توسعه منطقه‌ای |
| ۱۶ | [۴۱] | موفقه‌های منطقه‌ای تأثیرگذاری بر سطح کارآفرینی | پارادایم اثبات‌گرایانه | مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده نرخ‌های راه‌اندازی در همه مناطق بررسی شده عبارتند از: نرخ سود، سطوح تحصیلی، تراکم که با اندازه اقتصادی یک منطقه اندازه‌گیری می‌شود و دسترسی به منابع مالی رسمی بانک. | نظریه نهادی |
| ۱۷ | [۳۴] | کارآفرینی و توسعه منطقه‌ای | پارادایم تفسیری | یک چارچوب نظری برای بررسی کارآفرینی در سطح منطقه‌ای (استانی) ایجاد شده است. استدلال می‌شود که شرایط و سیستم‌های ملی و ایالتی پایه و اساس کارآفرینی منطقه‌ای را فراهم می‌کند. تفاوت در مناطق کارآفرینی را می‌توان با تفاوت در منابع منطقه‌ای که شامل سرمایه‌گذاری است توضیح داد. | نظریه نهادی |
| ۱۸ | [۳۱] | بررسی تأثیر کارآفرینی بر توسعه اقتصادی با استفاده از فرهنگ کارآفرینی منطقه- ای | اثبات‌گرایانه | نتایج نشان می‌دهد که مناطق آلمانی با سطح بالایی از کارآفرینی در اواسط دهه ۱۹۲۰، حدود ۵۰ سال بعد، نرخ راه‌اندازی بالاتری داشتند. بنابراین، فرهنگ منطقه‌ای کارآفرینی منبع مهمی برای تداوم کارآفرینی است. | نظریه نهادی |

| ردیف | منبع | تمرکز پژوهش | مبانی فلسفی / پارادایم | یافته‌های کلیدی | نظریه مینا |
|------|------|--|------------------------|--|------------|
| ۱۹ | [۲۳] | سیستم نوآوری منطقه‌ای: ابعاد نهادی و سازمانی | فلسفه پدیدارشناسی | در نظر گرفتن یک دیدگاه اقتصادی تکاملی، این مقاله مفاهیم «منطقه»، «نوآوری» و «سیستم» را به‌عنوان مقدمه‌ای برای بحث گسترده درباره اهمیت ظرفیت مالی، یادگیری نهادی و فرهنگ تولیدی برای نوآوری سیستمی مشخص می‌کند. | نظریه مینا |

مرحله پنجم: تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این مرحله از مطالعه، داده‌های پژوهشی تحلیل می‌شود، در این تحقق به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق، با اتخاذ رویکرد استقرایی در دو مرحله کدگذاری باز و محوری انجام یافته است (کدگذاری باز، محوری). بر اساس نتایج تحلیل ۷۱ کد باز و در سطح بالاتر ۳ کد محوری شناسایی گردیده است. نتایج کدگذاری مقالات منتخب در جدول ۲ ارائه شده است.

| شماره منبع | مجموع | | | | | | | | | | | | | | | | | | کدباز | ردیف |
|------------|-------|----|----|----|----|----|----|----|----|---|---|---|---|---|---|---|---|---|--|------|
| | ۱۸ | ۱۷ | ۱۶ | ۱۵ | ۱۴ | ۱۳ | ۱۲ | ۱۱ | ۱۰ | ۹ | ۸ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ | | |
| ۳ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | افزایش اختیارات حاکمان منطقه‌ای در زمینه کسب‌وکار | ۲۲ |
| ۳ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | تطبیق نحوه اداره مناطق با ماهیت ساختاری و فرهنگی آن | ۲۳ |
| ۴ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | بازتعریف رابطه دولت و حکمرانی منطقه‌ای | ۲۴ |
| ۵ | ۱ | ۱ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | تعیین متولیان اصلی تسهیل کسب‌وکار در سطح منطقه | ۲۵ |
| ۴ | ۱ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | هماهنگی برنامه‌های خرد و تفصیلی در سطح مناطق نسبت به توسعه کسب‌وکار | ۲۶ |
| ۴ | ۱ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | هماهنگ‌سازی سازمان‌های مختلف جهت تسهیل کسب‌وکار | ۲۷ |
| ۶ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | به‌کارگیری فن‌آوری‌های مدرن | ۲۸ |
| ۳ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | حذف بروکراسی اداری در زمینه کسب‌وکار | ۲۹ |
| ۴ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | طراحی خلاقانه محیط اداری | ۳۰ |
| ۳ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | تشکیل ساختار سازمانی کارآفرینانه | ۳۱ |
| ۲ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | اصلاح ساختاری مراکز کارآفرینی در مناطق (از جمله شهرداری‌ها، فرمانداری، دهیاری و ...) | ۳۲ |
| ۴ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | استفاده از متخصصان توسعه تخصص‌گرایی در اداره امور مناطق | ۳۳ |
| ۳ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ایجاد و توسعه واحدهای منطقه‌ای خلاقیت و نوآوری | ۳۴ |
| ۳ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | راه‌اندازی واحد منطقه‌ای مشاوره نوآوری و کارآفرینی | ۳۵ |
| ۴ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | تدوین و توزیع تجارب کارآفرینان محلی و منطقه‌ای | ۳۶ |
| ۴ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۰ | شبکه‌سازی‌های محلی | ۳۷ |
| ۳ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | تسهیلات جدید ارتباطی و حمل‌ونقل | ۳۸ |
| ۳ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۱ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | جذب سرمایه‌گذاران خطرپذیر منطقه‌ای | ۳۹ |
| ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | توسعه منابع جایگزین مالی | ۴۰ |
| ۲ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ارائه تسهیلات کم‌بهره یا بدون بهره برای طرح‌های کارآفرینانه در سطح مناطق | ۴۱ |
| ۲ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | تشویق نهادهای مالی به تأمین سرمایه در کسب‌وکارهای کوچک محلی و منطقه‌ای | ۴۲ |
| ۱ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ایجاد برنامه ضمانتی برای کسب‌وکارهای نوپا در سطح مناطق | ۴۳ |
| ۵ | ۱ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ | ایجاد رقابت بین نهادهای مالی | ۴۴ |

| ردیف | کدباز | شماره منبع | | | | | | | | | | | | | | | | | مجموع | | |
|------|---|------------|----|----|----|----|----|----|----|----|---|---|---|---|---|---|---|---|-------|---|---|
| | | ۱۸ | ۱۷ | ۱۶ | ۱۵ | ۱۴ | ۱۳ | ۱۲ | ۱۱ | ۱۰ | ۹ | ۸ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | | ۱ | |
| ۶۸ | دسترسی به زیرساخت‌هایی مثل آب، برق، گاز و ... | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۱ | |
| ۶۹ | تولید ناخالص داخلی منطقه‌ای | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۳ |
| ۷۰ | نرخ نوآوری استانی (تعداد پتنت‌های ثبت شده) | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ |
| ۷۱ | قوانین توسعه منطقه‌ای | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۳ |

مرحله ششم: کنترل کیفیت

در این گام، فرایندی که در ادامه بیان شده است، برای حفظ کیفیت مطالعات انتخابی در نظر گرفته شده است. در سراسر تحقیق تلاش گردید تا با فراهم آوردن توضیحات شفاف برای گزینه‌های موجود در تحقیق گام برداشته شود:

۱) در زمان مناسب سعی شده است تا رویکردها و نگرش‌های مستقر جهت تلفیق مطالعات اصلی در تحقیق استفاده شود؛

۲) محقق از برنامه‌های مستقر مانند ابزار حیاتی ارزیابی (گلین، ۲۰۱۱)، جهت ارزیابی کیفیت مطالعات اصلی استفاده کرده است. بر اساس این معیار، هر مقاله حداقل باید بر اساس معیارهایی چون جامعه آماری، گردآوری داده‌ها، طرح تحقیق، نتایج مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

۳) برای پیدا کردن مقالات مربوطه از جستجوی الکترونیکی استفاده شده است.

۴) بدون وجود دقت علمی، تحقیق بی‌ارزش بوده و مطلوبیت خود را از دست می‌دهد.

بنابراین دغدغه نسبت به روایی و پایایی در همه شیوه‌های پژوهش مورد توجه پژوهشگران است [۴۱]. لذا با استفاده از روش بازآزمون اقدام به بررسی پایایی کدهای احصاء شده نمودیم. برای محاسبه پایایی باز آزمون، متون تحلیل شده در فواصل زمانی مشخص دو بار کدگذاری می‌شوند. سپس کدهای مشخص شده در دو فاصله زمانی برای هر کدام از متون با هم مقایسه می‌شوند. روش بازآزمایی برای ارزیابی ثبات کدگذاری پژوهشگر به کار می‌رود. در هر کدام از کدهایی که در دو فاصله زمانی با هم مشابه هستند با عنوان «توافق» و کدهای غیرمشابه با عنوان «عدم توافق» مشخص می‌شوند. روش محاسبه پایایی بین کدگذاری‌های انجام گرفته توسط محقق در دو فاصله زمانی بدین ترتیب است [۴۱].

$$\frac{2 \times \text{تعدادتوافقات}}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100\%$$

جدول ۳. نتایج محاسبه پایایی بازآزمون

| ردیف | عنوان | تعداد کل کدها (در دومرتبه کدگذاری) | تعداد توافقات | درصد پایایی باز آزمون |
|------|-----------------|---------------------------------------|---------------|-----------------------|
| ۱ | کل مقالات منتخب | ۱۳۵ | ۶۳ | ۹۳/۳۳ |

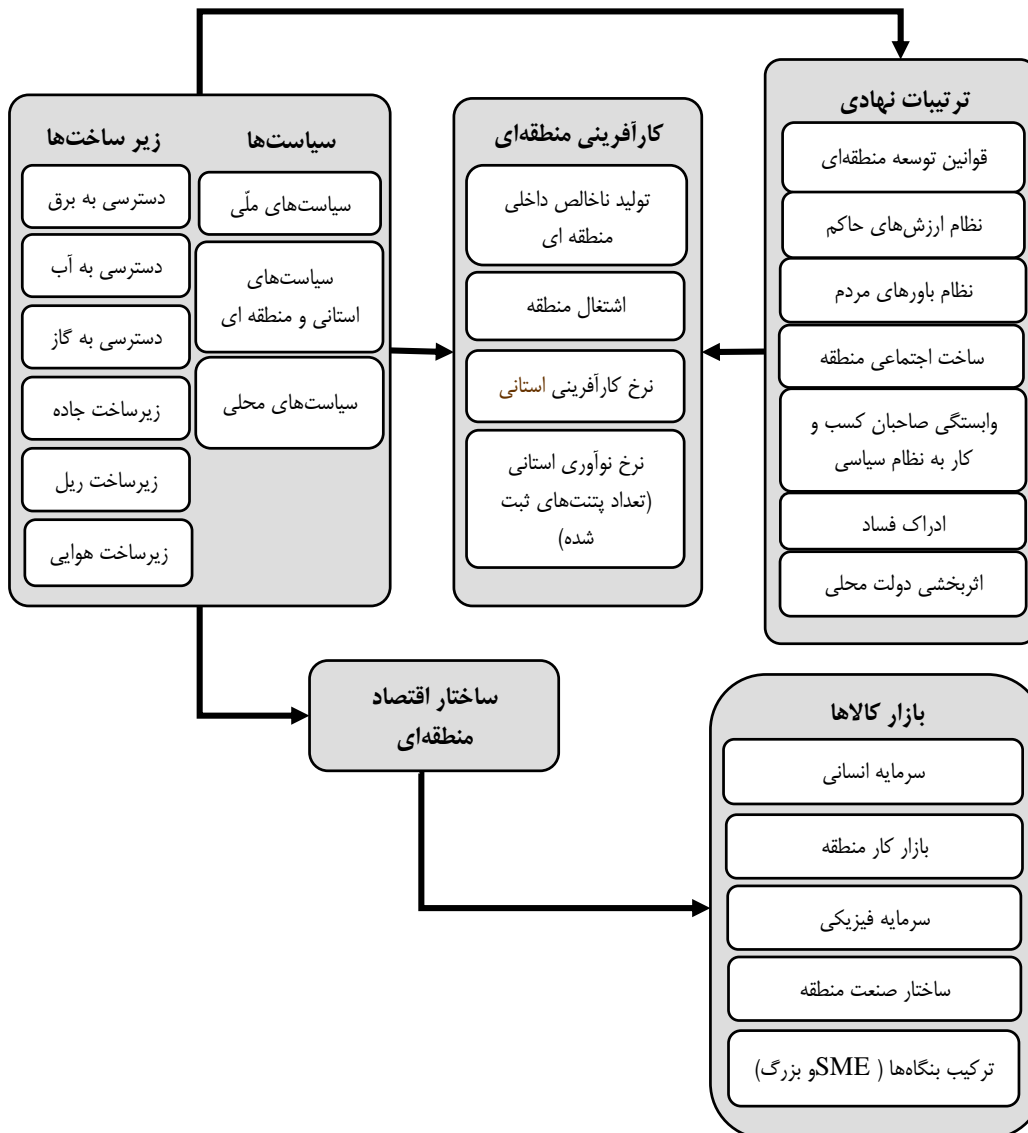
مطابق جدول ۲ تعداد کل کدها در دو فاصله زمانی ۳۰ روزه برابر با ۱۳۵ است. تعداد کل توافقات بین کدهای دور اول و دوم کدگذاری برابر با ۶۳ به این ترتیب، پایایی باز آزمون مقالات تحلیل صورت گرفته در این پژوهش با استفاده از فرمول معرفی شده، برابر با ۹۳/۳۳ درصد است. ضریب پایایی بیشتر از ۰/۸ در دامنه ضرایب بسیار خوب قرار دارند [۴۴]. با توجه به اینکه این میزان بیش از ۹۰ درصد است، بنابراین قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید بوده و میزان پایایی تحلیل مقالات، مناسب است.

مرحله هفتم: ارائه یافته‌ها

در این بخش با توجه به یافته‌های پژوهش، چارچوب مفهومی مرتبط با نهادهای توسعه کارآفرینی منطقه‌ای ارائه می‌گردد. بررسی تحقیقات منتخب نشان‌دهنده این هستند که زیرساخت‌های فیزیکی از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی در سطح مناطق است. زیرساخت‌ها شامل جاده‌ها، آبراه‌ها و فرودگاه‌ها، دستگاه‌های ارتباطی کارآمد و کانال‌های توزیع یکپارچه می‌شود. مناطقی با زیرساخت‌های توسعه‌یافته، کارآفرینان را قادر می‌سازند تا نیازهای بازار را شناسایی کنند، به سرعت به آن‌ها پاسخ دهند و در موارد جدید سرمایه‌گذاری کنند. در

مقابل، فقدان زیرساخت‌های مرتبط و خدمات اولیه (مراقبت‌های بهداشتی و مالی) می‌تواند افراد دارای مهارت‌ها، دانش و استعداد کارآفرینی لازم را به نقل مکان مجبور کند یا از انجام معاملات در سطح منطقه‌ای بازدارد. اندازه جمعیت و ترکیب و توزیع درآمد نیز در سطح منطقه‌ای و محلی بر تقاضا برای کالاها و خدمات تأثیر می‌گذارد. تغییر در اندازه جمعیت منجر به تغییر در تقاضای کل برای کالاها و خدمات می‌شود. تغییرات در ترکیب جمعیت و توزیع درآمد باعث کاهش تقاضا برای کالاها و خدمات خاص و افزایش تقاضا برای برخی دیگر می‌شود. یک منطقه می‌تواند شرکت‌هایی را جذب کند که بازارهایشان با ترکیب جمعیت و سطح درآمد آن سازگار باشد. سیاست‌گذاری به نفع کسب‌وکارها در سطح مناطق، به‌ویژه کسب‌وکارهای مرتبط با فناوری اطلاعات و ارتباطات را از طریق نهادهایی چون دانشگاه‌ها، پارک‌های علمی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر تحریک می‌کنند. بازارها برای شناسایی و بهره‌برداری از فرصت‌ها حیاتی هستند. اندازه جمعیت، ترکیب و گسترش و همچنین سطوح درآمد در یک منطقه، فرصت‌هایی را برای کسب‌وکارهای جدید فراهم می‌کند که متعاقباً می‌توانند بازارهای خود را به مناطق و/یا کشورهای دیگر گسترش دهند. از منظر سیاست‌گذاری منطقه‌ای، جهت توسعه و رشد کسب‌وکارها در سطح منطقه‌ای بایستی نه تنها تولید ثروت، بلکه باز توزیع آن نیز مدنظر قرار بگیرد. جستجو برای بازارهای جدید با فناوری جدید، به‌ویژه اینترنت، نسبتاً آسان شده است.

طبق یافته‌های پژوهش، در سطح منطقه‌ای دسترسی به منابع مالی، ثروت شخصی و مالکیت، ارتباط مثبتی با کارآفرینی دارد. دسترسی به سرمایه در سطوح منطقه‌ای با دارایی‌های مالی سرانه بالا (مانند سپرده‌های بانکی) و مالکیت گسترده خانه به احتمال زیاد آسان تر است. ساختار صنعت با تنوع در مقابل تخصص شرکت‌ها و نحوه ارتباط شرکت‌ها با یکدیگر برای به دست آوردن منابع برای رشد سروکار دارد. ساختار صنعت همچنین اندازه شرکت‌ها، سرمایه دانش شرکت‌ها و سازمان‌های پشتیبان و شبکه‌های تجاری را پوشش می‌دهد. دیدگاه‌های مختلفی در مورد اینکه آیا شباهت تنوع در بین کسب‌وکارها با کارآفرینی منطقه‌ای مرتبط است، وجود دارد. طبق یافته‌های پژوهش شرکت‌های کوچک و متوسط به اندازه شرکت‌های بزرگ به توسعه اقتصادی کمک می‌کنند. همچنین، یکی دیگر از جنبه‌های ساختار صنعت، سطح تجمع و تمرکز جغرافیایی شرکت‌ها است. تمرکز جغرافیایی شرکت‌ها در یک منطقه منجر به توسعه ورودی‌های استراتژیک می‌شود. این ورودی‌ها در دسترس شرکت‌های جدیدی قرار می‌گیرند که از آن‌ها برای کسب مزیت رقابتی استفاده می‌کنند. شبکه‌های تجاری شامل تمام روابط با سایر مشاغل است که بر عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارد. آن‌ها شامل تأمین‌کنندگان، تأمین‌کنندگان تجهیزات، توزیع‌کنندگان، حمل‌ونقل، رقبا و مشتریان می‌شوند. این روابط شبکه ارتباط قوی یک شرکت را تشکیل می‌دهد. علاوه بر این، کسب‌وکارها شبکه‌های ارتباطی مشخصی را با مراکز تحقیقاتی، دانشگاه‌ها و سازمان‌های دولتی تشکیل می‌دهند. مزایای قابل درک شبکه عبارتند از: دسترسی به بازارهای جدید. افزایش حجم معاملات؛ کاهش هزینه از طریق راه‌حل‌های مشارکتی برای مشکلات رایج؛ به اشتراک‌گذاری. بر اساس هدف اصلی این مقاله که بررسی ارتباط بین نهادها و کارآفرینی منطقه‌ای بود؛ مدل زیر شناسایی گردیده و در قالب چارچوب مفهومی پیشنهادی زیر ارائه می‌گردد.



شکل ۲. الگوی پیشنهادی پژوهش. منبع: یافته‌های پژوهش

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف اصلی از انجام پژوهش حاضر شناسایی و تحلیل مطالعات پیشین در زمینه نهادهای مؤثر بر توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه در مناطق مختلف بود، در همین راستا ۸۹۰ مقاله از پایگاه معتبر گوگل اسکالر شناسایی و پس از اعمال فیلترهای مختلف، ۱۹ مقاله‌ای که از نظر عنوان، چکیده، روش‌شناسی و متن اصلی بیشترین ارتباط را با پدیده کارآفرینی منطقه‌ای و رویکرد نهادی داشتند برگزیده و با استفاده از رویکرد فراترکیب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. طبق یافته‌های پژوهش توسعه کارآفرینی منطقه‌ای با مشخصه اصلی رشد و توسعه در تولید ناخالص داخلی، افزایش سطح و سرانه اشتغال در منطقه، افزایش نرخ فعالیت‌های کارآفرینانه و نرخ نوآوری استانی (تعداد پتنت‌های ثبت شده)، در شرایطی محقق می‌گردد که بستر نهادی در کنار عواملی چون (۱) سیاست‌گذاری در سه سطح ملی، منطقه‌ای و محلی؛ (۲) زیرساخت‌های فیزیکی شامل زیرساخت هوایی، زیرساخت ریلی، زیرساخت جاده‌ای، دسترسی به گاز، دسترسی به آب، دسترسی به برق و (۳) بازار کالاها یا زیرساخت اقتصادی شامل بازار کار منطقه، سرمایه انسانی، ترکیب بنگاه‌ها (SME و بزرگ) و ساختار صنعت منطقه، موجبات تحریک فعالیت‌های

کارآفرینانه را فراهم آورد. منظور از اهمیت ابعاد منطقه‌ای کارآفرینی این نیست که تمامی فعالیت‌های کارآفرینانه تحت تأثیر شرایط و متغیرهای منطقه‌ای است و قطعاً مؤلفه‌های ملی نیز در توصیف فعالیت‌های کارآفرینانه اهمیت بسزایی دارند، بدین معنی که این شرایط بیشتر میان کشورها و نه میان مناطق مختلف یک کشور تغییر می‌کنند (مثلاً قوانین مالیاتی)؛ بعضی از شرایط نیز بر اساس ویژگی‌های افراد تعیین می‌گردند. با این وجود، طیف وسیعی از یافته‌های تجربی و نظری پیشنهاد می‌دهند که علاوه بر چارچوب ملی، شرایط بسیار دیگری وجود دارند که میان منطقه‌های مختلف یک کشور تغییر کرده و بر تصمیم افراد در خصوص خوداشتغالی تأثیرگذار هستند. واژه مصطلح «فضای کارآفرینانه» بسیاری از این مشخصه‌های منطقه‌ای را که حداقل قادر به تأثیرگذاری بر تصمیم افراد محلی به منظور راه‌اندازی و عدم راه‌اندازی یک استارت‌آپ و حتی موفقیت و شکست آتی یک استارت‌آپ است یکپارچه می‌سازد. وجود برنامه‌های حمایت از کارآفرینی، درک، دیدگاه و مهارت جمعیت در خصوص استارت‌آپ‌ها و یا وجود مراکز حمایت‌کننده و مروج استارت‌آپ‌ها اعم از دانشگاه‌ها با رشته‌های مرتبط و شرکت‌های نوآورانه، مثال‌هایی از این گونه مشخصه‌های منطقه‌ای زیر چتر فضای کارآفرینی هستند.

از آنجا که چه در بستر اداری و چه در بستر جامعه نیازمند وجود و مشارکت افکار و ایده‌های متنوع هستیم و در نتیجه همین تعامل افکار و ایده‌های متنوع است که روحیه کارآفرینانه خلق شده و توسعه می‌یابد لذا مدیریت محلی و منطقه‌ای بایستی علاوه بر توسعه رویکرد اجتماعی در برابر نقش خدماتی‌اش و تفوق تسهیل‌گری در برابر تصدی‌گری، به توسعه راه‌های ارتباطی کارآفرینان با مدیریت شهری، عقد قراردادهای مشارکتی با آنان و ارائه خدمات متنوع به کارآفرینان پرداخته و موجبات ارتقای توانمندسازی آنان را فراهم کند. سیاست‌های تمرکززدایی با کوچک‌سازی و چابک‌سازی ساختار مدیریت شهری هم می‌تواند پاسخ‌ها و واکنش‌های سریع‌تر و هوشمندانه‌تری را به مشکلات و مسائل منطقه ارائه دهد و هم با افزایش سهم کارآفرینان در اداره امور منطقه احساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در شهروندان افزایش دهد. از آنجاکه طبق یافته‌های پژوهش نهادهای رسمی یکی از مهم‌ترین پیشران‌های توسعه یا عدم توسعه یافتگی کارآفرینی در مناطق مختلف شناسایی گردید، به همین دلیل پیشنهاد می‌گردد تا سیاست‌گذاران بخش عمومی، با توسعه قوانین و مقررات مشکلات و موانع و مسائل کارآفرینان و کسب‌وکارها را شناسایی کرده و برای حل آن راه‌کارهایی عملیاتی ارائه نمایند؛ که شروع این کار می‌تواند با تمرکز بر شاخص سهولت انجام کسب‌وکار که هر ساله بانک جهانی ارائه می‌کند و شامل زیرشاخص‌های اصلی شروع کسب‌وکار، اخذ مجوزها برای ساخت، ثبت اموال شرکت، اخذ الکترونیسیته، حمایت قضایی از سرمایه‌گذاران، تسهیل فرایند تجارت بین‌المللی لازم‌الاجرا نمودن قراردادهای حل‌وفصل اختلافات و تسهیل بازگشت کسب‌وکارهای ورشکسته به چرخه تجارت پرداخت مالیات سهولت پرداخت مالیات است باشد.

ارتقای کارآمدی و اثربخشی نهادهای دولتی و عمومی یکی از الزامات توسعه کارآفرینی منطقه‌ای است. عمده‌ترین سازوکارها برای ارتقای کارآمدی و اثربخشی کارکرد نهادهای منطقه‌ای را می‌توان به شرح زیر برشمرد: بازنگاری و بازطراحی نهادهای کلان کشور بر اساس مبانی معرفتی و فلسفی و مبانی زمینه‌ای و با بهره‌گیری از تجارب و دانش بشری؛ ترسیم نقشه راه توسعه با هدف تمرکزگرایی در نظام مدیریتی - اداری و تفویض برخی از نقاط تصمیم‌گیری به مدیریت سطوح منطقه‌ای و محلی؛ کاهش وظایف تصدی‌گری دولت و تفویض آن به بخش خصوصی به ویژه در سطح منطقه‌ای؛ بازسازی و نوسازی نظام اداری به منظور طرد نظام بوروکراسی؛ ایجاد نظام شایسته‌سالاری در نظام مدیریتی مناطق؛ ایجاد هماهنگی در سیاست‌گذاری‌های ملی و منطقه‌ای.

منابع

1. Acs, Z. J., & Phillips, R. J. (2002). Entrepreneurship and philanthropy in American capitalism. *Small Business Economics*, 19(3), 189-204.
2. Acs, Z. J., & Varga, A. (2005). Entrepreneurship, agglomeration and technological change. *Small business economics*, 24(3), 323-334.
3. Acs, Z., Desai, S., & Klapper, L. (2008). What does " entrepreneurship" data really show? A comparison of the Global Entrepreneurship Monitor and World Bank Group datasets. The World Bank.
4. Aidis, R., Estrin, S., & Mickiewicz, T. (2008). Institutions and entrepreneurship development in Russia: A comparative perspective. *Journal of business Venturing*, 23(6), 656-672.
5. Audretsch, D. B., & Belitski, M. (2017). Entrepreneurial ecosystems in cities: Establishing the framework conditions. *Journal of Technology Transfer*, 42, 1030–1051.
6. Audretsch, D., Bönte, W., & Keilbach, M. (2008). Entrepreneurship capital and its impact on knowledge diffusion and economic performance. *Journal of business venturing*, 23(6), 687-698.
7. Audretsch, D., & Keilbach, M. (2004). Entrepreneurship capital and economic performance, *regional studies*, 38(8), pp 949-959.
8. Boland, Lawrence A (1979). Knowledge and the Role of Institutions in Economic Theory, *Journal of Economic*, 13(4), 23-36.
9. Boschma, R. (2005). Proximity and innovation: a critical assessment. *Regional studies*, 39(1), 61-74.
10. Bradley, S. W., & Klein, P. (2016). Institutions, economic freedom, and entrepreneurship: The contribution of management scholarship. *Academy of Management Perspectives*, 30(3), 211-221.
11. Brettle, A. (2003). Information skills training: a systematic review of the literature. *Health Information & Libraries Journal*, 20, 3-9.
12. Bruns, K., Bosma, N., Sanders, M., & Schramm, M. (2015). Entrepreneurship, institutions and growth in European regions: a uniform mechanism? school of Utrecht School of Economics. This paper can be downloaded at: <http://>.
13. Bruton, G. D., Ahlstrom, D., & Li, H. L. (2010). Institutional theory and entrepreneurship: where are we now and where do we need to move in the future?. *Entrepreneurship theory and practice*, 34(3), 421-440.
14. Carlsson, B., Braunerhjelm, P., McKelvey, M., Olofsson, C., Persson, L., & Ylinenpää, H. (2013). The evolving domain of entrepreneurship research. *Small Business Economics*, 41(4), 913-930.
15. Casson, M. (1982). The entrepreneur: an economic theory, rowman and littlefield.
16. Carbonara, E., Santarelli, E., & Tran, H. T. (2016). De jure determinants of new firm formation: how the pillars of constitutions influence entrepreneurship. *Small Business Economics*, 47(1), 139-162.
- Charmaz, C. (1990). Discovering Chronic Illness: Using Grounded Theory, *Social Science and Medicine*, 30.
17. Castaño, M. S., Méndez, M. T., & Galindo, M. Á. (2016). The effect of public policies on entrepreneurial activity and economic growth. *Journal of Business Research*, 69(11), 5280-5285.
18. Coase, R. (1937). The nature of the firm, *economica*, New Series, Vol. 4, No. 16.
19. Coase, R. H. (1992). The institutional structure of production. *American Economic Review*, 82(4), 713-720.
20. Cohen, B. (2006). Sustainable valley entrepreneurial ecosystems. *Business Strategy and the Environment*, 15, 1–14.
21. Cohen, W.M., Nelson, R.R., & Walsh, J.P. (2002). Links and impacts: the influence of public research on industrial R&D. *Management Science* 48 (1), 1–23.

22. Commons, J. R. (1931). Institutional economics, the american economic review, Vol. 21(4), 63-79.
23. Cooke, P., Uranga, M., & Etxeba, G. (1997). Regional innovation systems: Institutional and organisational dimensions. *Research policy*, 26(4-5) , 475-491.
24. Creswell, J. W. (2005). *Educational research: planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research* (2nd edition).
25. Creswell, J. W., & Miller, D. L. (2000). Determining validity in qualitative inquiry. *Theory into practice*, 39(3), 124-130.
26. Davis, L. S., & Williamson, C. R. (2016). Culture and the regulation of entry. *Journal of Comparative Economics*, 44(4), 1055-1083.
- Del Monte, A., & Pennacchio, L. (2020). Historical roots of regional entrepreneurship: The role of knowledge and creativity. *Small Business Economics*, 55(1), 1-22.
27. Den Hartigh, E. & Tol. M. (2008). Business ecosystem, *encyclopedia of networked and virtual organizations*, 1, 106-111.
28. Dequech, D. (2002). The demarcation between the "old" and the "new" institutional economics: recent complications, *Journal of Economic Issue*, 36(2), 65-81.
29. DiMaggio, P. (1988). Interest and agency in institutional theory. In L. Zucker (Ed.), *Institutional patterns and organizations: Culture and environment*: 3–22. Cambridge, MA: Ballinger.
30. DiMaggio, P. J., & Powell, W. W. (1983). The iron cage revisited: Institutional isomorphism and collective rationality in organizational fields. *American Sociological Review*, 48, 147–161.
31. Fritsch, M., & Wyrwich, M. (2017). The effect of entrepreneurship on economic development—an empirical analysis using regional entrepreneurship culture. *Journal of Economic Geography*, 17(1), 157-189.
32. Fotopoulos, G., & Storey, D. J. (2019). Public policies to enhance regional entrepreneurship: another programme failing to deliver?. *Small Business Economics*, 53(1), 189-209.
33. Gretzinger, S., Royer, S., Matiaske, W., Burgess, J., & Brown, K. (2019). Entrepreneurial ecosystems, smart specialisation, industrie clusters and regional development: understanding change on the network level. *International Journal of Globalisation and Small Business* 10(2), 101-104.
34. Hasan, I., Kobeissi, N., Wang, H., & Zhou, M. (2017). Bank financing, institutions and regional entrepreneurial activities: Evidence from China. *International Review of Economics & Finance*, 52, 257-267.
35. Krugman, P. (1991). Increasing returns and economic geography. *Journal of political economy*, 99(3), 483-499.
36. Kotey, B. (2006). Entrepreneurship and regional development: A theoretical framework. *Small Enterprise Research*, 14(2), 20-45.
37. Lowe, N. J., & Feldman, M. P. (2017). Institutional life within an entrepreneurial region. *Geography Compass*, 11(3), e12306.
- Mazzarol, T. (2003). Regional Entrepreneurship – Developing a Holistic Framework for Stimulating Regional Enterprise. *Regional Development SA, 2003 Conference, Adelaide 10-12 September 2003* , 1-26. Adelaide .
38. Liñán, F., & Fernandez-Serrano, J. (2014). National culture, entrepreneurship and economic development: different patterns across the European Union. *Small Business Economics*, 42(4), 685-701
39. Mohajan, H. (2017). Two criteria for good measurements in research: Validity and reliability. *Annals of Spiru Haret University. Economic Series*, 17(4), 59-82.
40. Moirangthem, N. S., & Nag, B. (2021). Measuring regional competitiveness on the basis of entrepreneurship, technological readiness and quality of institutions. *Competitiveness Review: An International Business Journal*.

41. Meek, W. R., Pacheco, D. F., & York, J. G. (2010). The impact of social norms on entrepreneurial action: Evidence from the environmental entrepreneurship context. *Journal of Business Venturing*, 25(5), 493-509.
42. McClelland, D. C., & Mac Clelland, D. C. (1961). *Achieving society* (Vol. 92051). Simon and Schuster.
43. Naude, W., Gries, T., Wood, E., & Meintjies, A. (2008). Regional determinants of entrepreneurial start-ups in a developing country. *Entrepreneurship and regional development*, 20(2), 111-124.
44. Razmjoo, S., & Nouhi, N. (2011). A SWOT analysis of the junior high school English program: A grounded theory approach. *International Proceedings of Economics Development and Research*, 26, 182-186.
45. Rogalska, E. (2018). Multiple-criteria analysis of regional entrepreneurship conditions in Poland. *Equilibrium. Quarterly Journal of Economics and Economic Policy*, 13(4), 707-723.
46. Santarelli, E., & Vivarelli, M. (2007). Entrepreneurship and the process of firms' entry, survival and growth. *Industrial and corporate change*, 16(3), 455-488.
47. Shane, S. A. (2003). *A general theory of entrepreneurship: The individual-opportunity nexus*. Edward Elgar Publishing.
48. Sternberg, R. (2009). Entrepreneurship, proximity and regional innovation systems. *Tijdschrift voor economische en sociale geografie*, 98(5), 652-666.
49. Strauss, A., & Corbin, J. (1994). Grounded theory methodology. *Handbook of qualitative research*, 273-285.
50. Swedberg, R. (2006). Social entrepreneurship: the view of the young Schumpeter (Vol. 3, pp. 21-34). Edward Elgar Publishing.
51. Sweeney, G. P. (1987). *Innovation, entrepreneurs and regional development*. Burns & Oates.
52. Urbano, D., Aparicio, S., & Audretsch, D. (2019). *Institutions, entrepreneurship, and economic performance*. Springer.
53. Shane, S., & Venkataraman, S. (2000). The promise of entrepreneurship as a field of research. *Academy of management review*, 25(1), 217-226.
54. Urbano, D. Liñán, F., & Guerrero, M. (2011). Regional variations in entrepreneurial cognitions: Start-up intentions of university students in Spain. *Entrepreneurship and regional development*, 23(3-4), 187-199.
55. Urbano, D., Toledano, N., & Ribeiro-Soriano, D. (2011). Socio-cultural factors and transnational entrepreneurship: A multiple case study in Spain. *International Small Business Journal*, 29(2), 119-134.
56. Wagner, C. (2004). Wiki: A technology for conversational knowledge management and group collaboration. *Communications of the association for information systems*, 13(1), 19.
57. Xie, Z., Wang, X., Xie, L., & Duan, K. (2021). Entrepreneurial ecosystem and the quality and quantity of regional entrepreneurship: A configurational approach. *Journal of Business Research*, 128, 499-509.
58. Zimmer, L. (2006). Qualitative meta-synthesis: a question of dialoguing with texts. *Journal of advanced nursing*, 53(3), 311-318.